



دوفصلنامه علمی-پژوهشی فقه نظام

سال دوم | شماره چهارم | پاییز و زمستان ۱۴۰۴

Bi-Quarterly Feghhe Nezam

Vol. 2 No.4 Autumn & winter 2025



مطلوبیت اجتهاد در سفراء دولت اسلامی از منظر فقه حکومتی

محمدصادق آسیم^۱

چکیده

مقاله حاضر جایگاه و اقتضای فقاهاست در منصب سفارت در دولت اسلامی از نگاه فقه حکومتی را بررسی می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، تبیین این نکته است که نمایندگی رسمی نظام اسلامی در خارج از مرزها، تنها یک مأموریت دیپلماتیک نیست؛ بلکه مسئولیتی فقهی، شرعی، و راهبردی است که پیوندی عمیق با اجتهاد، عدالت، استقلال و دعوت به اسلام دارد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای بر پایه کاوش فقهی در متون اسلامی است. این پژوهش در پی پاسخ به پرسش کلیدی نیاز سفیر دولت اسلامی به احراز شرط فقاهاست و تأثیر نظریه دولت اسلامی بر فقاهاست. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقق اهداف بنیادین سیاست خارجی دولت اسلامی، یعنی دعوت به توحید و تبیین آموزه‌های دینی، مستلزم نمایندگانی با بنیه علمی دینی و قدرت تحلیل فقهی است. مقاله حاضر با عرضه ایده «سفیر فقیه» بر پایه فقه حکومتی، تأکید می‌کند که اقتضای وظایف سفیر، نوعی از فقاهاست و تخصص موضوعی و حکمی است. این رویکرد، دیدگاه‌های حداقلی و عرف‌محور را نقد می‌کند. شواهد تاریخی و تحلیل گستره اختیارات سفیر، نشان می‌دهد که فقاهاست، معیار مهم در انتخاب نمایندگان سیاسی بین‌المللی است.

کلیدواژه‌ها:

فقه حکومتی، سفیر، اجتهاد، فقاهاست، دولت اسلامی، نماینده.

۱. پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، (نویسنده مسئول) | ۱۱۱@asim.chmail.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ | تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۱۲/۰۳



شکل‌گیری دولت و حکومت براساس یک نظریه سیاسی، قالب و فرمت جدیدی را در سه ساحت قوانین، ساختارها و کارگزاران می‌طلبد که با تناسب بخشی به هر بخش با توجه به نظریه سیاسی برگزیده، اهداف و چشم‌اندازهای ترسیم شده، امکان‌پذیرتر و دست‌یافتنی‌تر می‌شود؛ مثلاً دولتی که با برگزیدن نظریه لیبرالیسم منطق قدرت در کشور را پایه‌گذاری می‌کند، باید متعهد به آزادی حداکثری در حوزه‌های مختلف باشد، به نحوی که در قوانین، بیشترین آزادی افراد در ساحت‌های گوناگون (اقتصاد، فرهنگ، و سیاست) تضمین شود و در ساختارها با شکل‌دهی به نهادهایی که مجری این قوانین هستند (مثلاً بانک، مجلس، و رسانه) این آزادی‌های به راحت‌ترین شکل و حداکثری تحقق یابد؛ همچنین، در انتخاب افراد باید شرایط خاصی را به کار گیرد که این منطق را به بیشترین حالت ممکن به فرجام رساند. این مسئله در دولت اسلامی که نظریه سیاسی خود را براساس ایدئولوژی اسلام بنا نهاده نیز منطبق است. در نتیجه، باید قوانین، ساختارها و کارگزاران براساس نظریه سیاسی اسلام ترتیب داده شوند.

حوزه حاکمیت دولت‌ها به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود و دولت‌ها براساس ظرفیت‌های هر بخش، در این دو حیطه اعمال اقتدار می‌کنند. ارتباطات، تعاملات، و کنشگری‌های عرصه سیاست خارجی نیز متأثر از نظریه سیاسی برگزیده در جهت کسب منافع ملی و دکتترین سیاسی است که بخش دیپلماتیک آن را وزارت امور خارجه در کشورها به صورت رسمی برعهده می‌گیرد. سفیر و نماینده سیاسی نیز کارگزار این بخش است که همه امور مربوط را سرپرستی می‌کند.

پژوهش حاضر درصدد است با واکاوی نظریه سیاسی اسلام، شرط فقاہت در سفیر دولت اسلامی را بازنگری و ضروریات این منصب را از منظر آموزه‌های اسلامی پالایش کند. بدیهی است که برخی شرایط همچون تسلط به زبان و فرهنگ خارجیان، و کارآزمودگی و شایستگی‌های این مقام، مدنظر این پژوهش نیست؛ بلکه آن خصوصیات که در دیگر سفیران دولت‌های غیراسلامی یافت نمی‌شود و مقصود اسلام است، هدف تحقیق است. فقاہت و اجتهاد از ویژگی‌های اسلامی است که در برخی مناصب ضروری است. لزوم یا عدم لزوم این مهم در سفیر دولت اسلامی با کاوش در وظایف و رسالت‌های سفیر از منظر اسلام معلوم می‌شود. این پژوهش با واری فقاہت، سفیر، و

سنجش تناسب این دو مسئله، به پرسش اصلی پاسخ خواهد داد:

۱. وظائف سفیر دولت اسلامی از نگاه فقه سیاسی چیست؟

۲. ادله فقاہت سفیر دولت اسلامی از نگاه فقه سیاسی چیست؟

اهمیت این پژوهش مرهون فهم ارزش دستیابی دولت اسلامی به اهداف خود در سیاست خارجی است، به طوری که اگر کسب برخی مزایا و انجام تکالیف در سیاست خارجه وابسته به فقاہت و اجتهاد باشد، این مسئله با غیر از فقیه و مجتهد به دست نمی آید. از سوی دیگر، ضرورت اسلامی بودن دولت نیز می طلبد ویژگی های این منصب محلّ بازبینی قرار گیرد و تصدی امور مربوط از سوی اشخاص، مطابق با آموزه های اسلامی باشد.

پیشینه پژوهش های فقهی صورت گرفته درباره شرط اجتهاد برای تصدی مناصب حکومتی به غیر از حاکم سیاسی، نشان می دهد که قاضی اصلی (در مقابل قاضی تحکیم) برای صدور حکم شرعی باید مجتهد باشد.^۱ برای فقیهان شورای نگهبان به سبب وظیفه پاسداری از احکام اسلام، فقاہت یک شرایط اصلی است.^۲ درباره اعضای مجلس خبرگان، اجتهاد متجزی کافی دانسته شده؛ زیرا وظیفه آنان نظارت و تشخیص ولی فقیه است و نه استنباط احکام در تمام ابواب^۳؛ اما درباره منصب ریاست جمهوری به جهت بعد اجرایی اجتهاد را شرط ندانسته اند.^۴ در سال ۱۳۶۳ ش، هنگام تدوین اساسنامه وزارت اطلاعات، با توجه به اهمیت مسئولیت این وزارتخانه در حفظ جان، مال، و آبروی مردم، و تأمین امنیت کشور، شرط اجتهاد برای تصدی این منصب مطرح شد.^۵ پژوهش های انجام شده نشان می دهد که در خصوص فقاہت و اجتهاد سفیر در دولت اسلامی، هیچ پژوهش مستقلی صورت نگرفته است.

۱. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، دیدگاه های نو در حقوق، ص ۲۴۹.

۲. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۱، ص ۳۹۸.

۳. محمدی، علیرضا، مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸ ش، ج ۱، ص ۷۲.

۴. موسی زاده، ابراهیم، و اقبال، شهاب، «تحلیل حقوقی شرایط نامزدهای ریاست جمهوری با تأکید بر تبیین شرایط رجال مذهبی و سیاسی»، مجلس و راهبرد، سال ۳۰، ش ۱۱۳، ۱۴۰۲ ش، ص ۱۹۴.

۵. یوسفی اشکوری، حسن، «چرا بنامش وزیر اطلاعات مجتهد باشد؟»، قابل دسترس در: <https://www.aliizadi.com>

- سابقه پژوهش مستقل دربارهٔ سفیر از نگاه اسلام را می‌توان در موارد ذیل یافت:
۱. «تدوین مدل شایستگی سفیر جمهوری اسلامی ایران»، علی امینی، رسالهٔ ارشد رشته تاریخ دانشگاه تهران، ۱۳۹۳ ش. این پایان‌نامه با تحلیل کیفی سخنرانی‌های امامین انقلاب و مصاحبه با خبرگان این موضوع، به ویژگی‌هایی نُه‌گانه برای سفیر ج.ا.ا. منتهی می‌شود؛ اما دربارهٔ فقاہت سفیر مطلبی بیان نشده است.
 ۲. «السفير في الإسلام»، أحمد حسن شوقي شويش، الجامعة العراقية، كلية التربية للبنات، المجله الاسلاميه، ۲۰۱۳ م. این مقاله در قالب ۳۳ صفحه ویژگی‌های سفیر در اسلام، از قبیل عقل، هوش و حافظه، اسلام، و عدالت را بررسی کرده است.
 ۳. «سفراء النبي محمد ﷺ»، اخلاص عباس ايدان، الجامعة العراقية، كلية التربية للبنات، المجله الجامعه العراقيه، ۲۰۱۵ م. این مقاله در ۳۲ صفحه، سفیران پیامبر ﷺ و ویژگی‌های آنان را برشمرده است.
 ۴. «أحكام الرسل و السفراء في الفقه الإسلامي»، جمال أحمد جميل نجم، جامعة النجاح الوطنية، نابلس-فلسطين، ۲۰۰۸ م. این رسالهٔ ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق، در سه فصل، معنا، رسالت‌ها، و احکام سفیر را از نگاه فقه اسلامی بررسی می‌کند و در صفات سفیر، ویژگی‌هایی از قبیل اسلام، خوش‌رویی، نسب، و مواردی دیگر را برمی‌شمارد.
 ۵. «گفتگوی عمیق دربارهٔ دیپلماسی اسلامی: قواعد و اهداف حاکم بر تعیین سفیران در جوامع خارجی برای برقراری ارتباط مؤثر»^۱. در این مقاله معیارهای انتخاب سفیر (امانت و عدالت، کفایت و خردمندی، آگاهی از عرف و زبان مخاطب، توان اقناعی و مدیریت تعارض)، مأموریت‌ها و اهداف (ابلاغ پیام و دعوت، انعقاد معاهدات و پیمان‌ها، حل و فصل نزاع‌ها، ارتقای روابط مسالمت‌آمیز و منافع عمومی امت)، و آیین‌های رفتاری و الزامات عملی مأموریت (آداب مکاتبات، شیوه گفت‌وگو، رعایت عهود) محلّ گفت‌وگو واقع شده است. مقاله با استناد به نمونه‌های تاریخی

1. PROFOUND DISCUSSION OF ISLAMIC DIPLOMACY: RULES AND OBJECTIVES GOVERNING THE APPOINTMENT OF AMBASSADORS TO FOREIGN COMMUNITIES FOR EFFECTIVE COMMUNICATION, Dr. Razia Shabana, Lubna Qasim, Dr. Muhammad Zafar Iqbal Saeedi, Fatima Javaid, Mehreen Samar, Vol. 19 No. 4 (2022); PalArch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology.

فرستادگان صدر اسلام، در پایان، چارچوبی راهبردی برای گزینش و اعزام سفرا در امروز پیشنهاد می‌دهد تا با اصول شریعت همخوان باشد و کارآمدی ارتباطات خارجی را افزایش دهد و اشاره‌ای به اجتهاد و فقهت سفیر ندارد.

لازم به ذکر است همه منابع پیش‌گفته، فاقد بررسی مسئله اجتهاد و علم دینی به صورت تفصیلی در سفیر از منظر اسلام بوده‌اند و از این جهت، مقاله حاضر دارای نوآوری است. نگارنده در مقاله‌ای دیگر^۱ این صفت را از نگاه اجتهاد سازمانی واکاوی کرده، که مسئله پژوهش حاضر نیست. علاوه بر آنکه نگارنده برخی ادله مطرح‌شده را ضعیف دانسته و با بازنگری در ادله، تلاش در ارتقای این نظریه دارد.

روش پژوهش در این تحقیق از منظر هدف بنیادی بوده و از نگاه، ماهیت توصیفی-تحلیلی و از جهت پردازش اطلاعات کیفی و روش گردآوری اطلاعات، مطالعاتی-کتابخانه‌ای است. فرضیه این پژوهش، بیانگر رابطه معنادار بین فقهت و سمت سفیر دولت اسلامی است. مقاله حاضر پس از واکاوی مبانی و چارچوب مفهومی، در دو فصل دیگر، اهداف و رسالت‌های سفیر و ادله لزوم فقهت در وی را می‌سنجد.

۱. چارچوب مفهومی پژوهش

پژوهش در مسئله فقهت سفیر مبتنی بر دو انگاره فقه حکومتی و دولت اسلامی صورت می‌گیرد؛ بدین معنا که پس از پذیرش ضرورت تشکیل دولت اسلامی، فقه موظف به پاسخ‌گویی به قوانین دولت اسلامی در چارچوب فقه حکومتی است.

الف. فقهت و اجتهاد

فقیه یا مجتهد، کسی است که توان علمی‌اش به سطحی رسیده باشد که بتواند با اتکا بر تلاش مستمر و دقیق، احکام شرعی را از منابع اصلی چون قرآن، سنت معصومان علیهم‌السلام، عقل، و اجماع عالمان دین استنباط کند. بنیان‌های اجتهاد، ساختار فکری و روش‌شناسی فقیه را شکل می‌دهد و مبنایی برای مدیریت دینی در ساحت فقه فراهم می‌کند. اجتهاد معتبر و پذیرفتنی از سوی شریعت، بر پایه منابعی همچون کتاب،

۱. آسیم، محمدصادق و رهدار، احمد، «واکاوی ضرورت فقهت در سفیر دولت اسلامی»، قم: فقه دولت

اسلامی، سال اول، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش، ص ۱۰۵.

سنت، عقل، و اجماع استوار است و به دور از قیاس و سلیقه‌گرایی (استحسان)، با روشی عقلانی و استدلال‌محور پیش می‌رود. در این مسیر، دانش اصول نقش کلیدی ایفا می‌کند؛ دانشی که چارچوب فهم متون دینی را به صورت قاعده‌مند و اصولی در اختیار فقیه می‌گذارد.

مجتهد در فرایند استنباط احکام، به مقتضیات زمان و مکان، مصالح جامعه، شرایط اضطراری و ضرورت‌های حفظ نظام اسلامی توجه ویژه دارد و در پرتو این ملاحظات، نظامات دینی را طراحی و استخراج می‌کند. فقیه حقیقی، افزون بر درک جامع از معارف اسلامی، باید دارای توانایی و شایستگی لازم در عرصه‌های مدیریت و سیاست برای رهبری جامعه مؤمنان نیز باشد. از این رو، مجتهد باید با واقعیت‌های اجرایی و مسائل مرتبط با آن آشنا باشد و راهکارهای مقابله با آن‌ها را نیز بشناسد.

امام خمینی، در «منشور روحانیت» بر این بُعد از اجتهاد تأکید کرده و بیان می‌دارد: آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است، واقعاً مدیر و مدبر باشد.^۱ در نتیجه، آنچه درباره تعریف فقیه در این مقاله مدّ نظر است را می‌توان چنین بیان کرد: عالم به احکام دین که دارای قدرت استنباط احکام از منابع با رویکردی حکومتی و تطبیق آن در مقام حکم، عدالت، و تدبیر سیاسی در مقام اجرا است.

ترسیم این معنا از فقیه متناسب با وظایفی است که ائمه اطهار علیهم‌السلام برای فقیهان ترسیم نموده‌اند و آنان را به عنوان قلعه‌های مستحکم اسلام، وارث انبیا، امین و جانشین پیامبران صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم، حجت از سوی امامان علیهم‌السلام، محل رجوع در جمیع حوادث، معرفی کرده‌اند.^۲

۱. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الایام، ص ۵۳۷.

ب. فقه حکومتی

در تعریفی شناخته شده، فقه دانش استخراج احکام شرعی از منابع تفصیلی است.^۱ در قبال این تعریف، می‌توان دو چشم‌انداز متفاوت را در نظر گرفت: رویکرد سنتی و رویکرد حکومتی. فقه حکومتی، نوع خاصی از اجتهاد را بازنمایی می‌کند که بر دغدغه و توجه فقیه به مسائل جامعه و حاکمیت متمرکز است.^۲ در مقابل، رویکرد سنتی، بدون توجه به مدیریت جامعه و ارکان پایداری آن، صرفاً برای تعیین وظایف شرعی فرد، به منابع دینی رجوع می‌نماید. گرچه نظریه‌پردازان فقه حکومتی تفاوت‌های چشمگیری را میان این دو دیدگاه فقهی برشمرده‌اند^۳، اما به نظر می‌رسد همه مؤلفه‌های یادشده به‌طور کامل بر نظریه تمامی فقیهان این حوزه منطبق نیست. با این حال، این بدان معنا نیست که فقیهانی که ذیل عنوان «فقه حکومتی» قرار نمی‌گیرند، فاقد این رویکرد بوده‌اند؛ زیرا عنصر بنیادینی که این تمایز را شکل می‌دهد، دغدغه‌مندی فقیه برای پاسخگویی به نیازهای حکومتی از دل منابع دینی، بر پایه روش اجتهادی است. در این راستا، فقیه «حکومت» را به مثابه یکی از متغیرهای مهم در موضوع‌شناسی احکام شرعی در نظر می‌گیرد.

لازمه چنین نگاهی به فقه، درهم‌تنیدگی دین و سیاست، نقش محوری حکومت در تحقق سعادت دنیوی و اخروی، اجرای کامل فقه در سایه حاکمیت، و توانمندی دین در پاسخگویی به همه مقتضیات حکومتی است. پژوهش پیش‌رو، با مدّ نظر قرار دادن این معنای ژرف از فقه حکومتی، در پی دستیابی به پاسخ مناسب برای لزوم شرط اجتهاد در سفیر و نماینده دولت اسلامی است. بر این اساس، فهم این معضل از دریچه رویکرد حکومتی به فقه تحلیل خواهد شد؛ بنابراین، در مسیر ارجاع به ادله، این نکته مهم همواره مدّ نظر خواهد بود تا به پاسخی درخور دست یابد.

ج. دولت اسلامی

در میان صاحب‌نظران، جامع‌ترین تعریف مشترک از دولت بر چهار مؤلفه اصلی استوار

۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۷.

۲. آسیم، محمدصادق و ایزدهی، سید سجاد، «واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ش ۲۳، ص ۱۶۶.

۳. ایزدهی، سید سجاد، «ماهیت و ویژگی‌های فقه حکومتی»، حکومت اسلامی، سال ۲۵، ش ۱، ص ۵-۲۶.

است: جمعیت، سرزمین، حاکمیت، و حکومت^۱؛ اما درباره دولت اسلامی، دست کم سه معنا قابل تصور است: حکومت بر دین داران، حکومت قوانین دینی، و حکومت قوانین دینی با تعیین مجریان الهی. از این میان، آنچه با استناد به آیات و متون دینی می تواند مصداق دولت اسلامی باشد، معنای سوم است.^۲ در این نوع دولت، مبانی و ارزش های اسلامی، سرچشمه اعتبار ساختار، قوانین، و کارگزاران حکومتی در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی به شمار می رود.^۳ هدف غایی دولت اسلامی، رهنمون ساختن جامعه مسلمانان به مقاصد الهی است؛ از جمله، برقراری عدالت و ستیز با فساد، که کمال حقیقی آن در دوران فرمانروایی انسان کامل تحقق خواهد یافت.^۴ این پژوهش، با اتخاذ چنین رویکردی، شرط اجتهاد در سفیر دولت اسلامی را بررسی می کند. بدین منظور، از منابع فقهی در جهت تدوین قوانین دولت اسلامی بهره برداری می شود. تأثیر نظریه دولت اسلامی بر فقهات سفیر، در میزان هم خوانی اهداف دولت اسلامی با نماینده اعزامی و ارزیابی مطلوبیت فقهات در سفیر، آشکار می شود.

۲. وظائف و رسالت های سفیر از نگاه حقوق بین الملل و فقه سیاسی

در کاربرد سنتی، واژه «سفیر» هم معنای فرستاده، پیک و رسول است و در حوزه های اجتماعی و سیاسی مفهوم مشخص و شناخته شده ای دارد؛ به گونه ای که این عنوان برای مأموران صلح و سخن گویانی که نزد پادشاهان می رفتند، به کار می رفته است.^۵ همچنین در متون روایی، نائبان چهارگانه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیب صغری نیز با همین عنوان نام گذاری شده اند.^۶ در کاربرد سیاسی امروزی، واژه سفیر درباره نماینده ای به کار می رود که از سوی دولت فرستنده، به صورت رسمی، در کشور پذیرنده یا در نهادی بین المللی مستقر می شود.^۷ به بیان دیگر، سفیر بالاترین

۱. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، ج ۱، ص ۷۰.

۲. نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، ص ۱۷۰.

۳. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۸۸.

۴. خامنه ای، سید علی، ۱۳۶۹/۹/۱۴، بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران.

۵. ابن فراء، رسل الملوك، سفیران، سفارت در اسلام و سفارت در غرب، ص ۱۴۳.

۶. جبّاری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۶.

۷. صدر، سید جواد، و دیگران، نکات برگزیده حقوق دیپلماسی و کنسولی، ص ۶۸.



مقام دیپلماتیک یک کشور در قلمرو دولت یا سازمان پذیرنده به شمار می‌آید. این افراد به نمایندگی از سوی دولت خود، طبق مأموریت مشخص شده از سوی وزارت امور خارجه، به دیگر کشورها اعزام می‌شوند و مسئول اجرای سیاست‌های رسمی کشور خویش در مناسبات بین‌المللی هستند. گزینش سفیر با پیشنهاد وزارت امور خارجه و با تأیید عالی‌ترین مقام اجرایی کشور انجام می‌گیرد و همه تعاملات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز در چارچوب این نمایندگی صورت می‌پذیرد.

سفیر ریاست کامل بر نمایندگی دیپلماتیک کشور خود را برعهده دارد و وظیفه دارد هم با دولت فرستنده و هم با کشور میزبان در ارتباط دائم باشد و امور داخلی سفارت را نیز مدیریت کند.^۱ البته در تقسیم‌بندی کلی، سفیران به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروه نخست، آنانی هستند که به‌طور دائم در کشور میزبان مستقر هستند؛ و گروه دوم، نمایندگان سیاری‌اند که با مأموریتی خاص در نهادهای بین‌المللی حضور دارند. تمرکز این نوشتار بر دسته نخست است. در کنار سفیران، افرادی مانند رایزنان و کارداران که در جایگاه‌های پایین‌تر قرار دارند، نقش پشتیبان و جانشین را برعهده می‌گیرند و بسته به نوع مسئولیت، تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارند.

از نگاه اسلامی، عنوان «سفیر» فاقد ماهیت شرعی یا ریشه در مفاهیم متشرعه است و در اصطلاح اصولی، عنوان اعتباری پیشاشریعی تلقی می‌شود که نشان‌دهنده رواج این مفهوم در عرف و پذیرش آن در فضای اسلامی است. با این حال، اسلام در عین پذیرش مفهوم عرفی سفیر، ویژگی‌ها و مأموریت‌هایی متناسب با ارزش‌ها و اهداف خود برای این جایگاه در نظر می‌گیرد.

الف. رسالت‌های سفیر در دستورهای بین‌المللی

مهم‌ترین مسئولیت‌های سفیر، مأموریت‌هایی است که کشور اعزام‌کننده به‌طور رسمی به وی محوّل می‌کند. میزان موفقیت سفیر را می‌توان از سطح فعالیت‌ها و عملکرد وی در انجام این مأموریت‌ها سنجید. خدمات کنسولی گسترده، نظیر صدور گذرنامه، روادید، رسیدگی به مشکلات مهاجران، گردشگران و افراد تبعیدشده، اقامت، و ابلاغ اسناد قضایی، عموماً در حوزه کاری سفارتخانه قرار نمی‌گیرد. آنچه در حیطه وظایف

۱. پورامینی، محمدحسین، اسلام و حقوق دیپلماتیک، ص ۸۶.

مستقیم سفیر قرار می‌گیرد، عبارت است از: پاسداری از حقوق اتباع در کشور میزبان، پیگیری فعالیت‌های اقتصادی در جهت منافع کشور اعزام‌کننده، فراهم کردن زمینه برگزاری دیدارهای رسمی میان مسئولان، و ایفای نقش در انعقاد پیمان‌ها، معاهدات و توافق‌نامه‌های دوجانبه.^۱

در چارچوب حقوق بین‌الملل، وظایف اصلی سفیر عبارت‌اند از: ۱. نمایندگی کشور خود در سازمان‌های بین‌المللی، کنفرانس‌ها و مذاکرات رسمی؛ ۲. تقویت و تثبیت روابط دوجانبه و چندجانبه با دیگر کشورها؛ ۳. مذاکره و امضای توافق‌نامه‌های بین‌المللی؛ ۴. دفاع از منافع ملی کشور خود در عرصه بین‌المللی؛ ۵. عرضه پیشنهادهای و راهکارهای سازنده برای حل مسائل جهانی؛ ۶. تهیه و ارسال گزارش‌های تحلیلی درباره تحولات جهانی به دولت متبوع؛ ۷. شرکت در رویدادهای رسمی و مذاکرات سیاسی با مقامات کشورهای دیگر؛ ۸. حمایت و عرضه خدمات به اتباع کشور خود در خارج؛ ۹. تأمین امنیت و سلامت شهروندان در سرزمین‌های بیگانه؛ و ۱۰. رسیدگی به موضوعات مربوط به حقوق بشر و رعایت موازین حقوق بین‌الملل در دیگر کشورها.^۲ در مجموع، وظایف نماینده دیپلماتیک بر محور حفاظت از منافع ملی، گسترش ارتباطات جهانی و پیگیری مسائل کلان بین‌المللی تعریف می‌شود. در راستای انجام صحیح این وظائف، تکالیف و مأموریت‌های دیپلماتیک، سفیران کشورها از امتیازات و مصونیت قضایی بهره‌مندند؛ این مزایا و مصونیت‌ها به صورت رسمی در کنوانسیون وین ۱۹۶۱ میلادی ثبت و به عنوان قاعده‌ای بین‌المللی شناخته شده است.^۳

۱. صدر، سید جواد، و دیگران، نکات برگزیده حقوق دیپلماسی و کنسولی، ص ۱۳۵.

۲. خالوزاده، سعید، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، ص ۲۴-۲۷.

۳. چهار مبنای نظری برای توجیه مصونیت‌های دیپلماتیک عرضه شده است: نخست، نظریه برون‌مرزی که محل مأموریت دیپلمات را به مثابه خاک کشور فرستنده تلقی می‌کند و قوانین محلی در آن نافذ نیست؛ دوم، نظریه رفتار متقابل که بر مبنای برخورد یکسان کشورها با دیپلمات‌های یکدیگر بنا شده است؛ سوم، نظریه نمایندگی که بر هویت وابسته نماینده به کشور متبوع خود تأکید دارد؛ و چهارم، نظریه ضرورت انجام وظیفه که بیان می‌دارد بدون چنین مصونیت‌هایی، انجام وظایف دیپلماتیک ممکن نیست. شمول این مصونیت‌ها محدود به شخص سفیر نیست و مکان، اموال رسمی، و محل سکونت وی را نیز در بر می‌گیرد. شروع رسمی مأموریت سفیر از زمان ورود به کشور میزبان یا پس از دریافت استوارنامه آغاز می‌شود و تا پایان دوره مأموریت، قطع روابط، اعلام عدم مقبولیت، یا مواردی چون بازنشستگی یا فوت ادامه خواهد یافت.

نقش اصلی و کلیدی سفیر، اجرای دقیق سیاست‌های اعلام‌شده از سوی دولت اعزام‌کننده است و وی به‌عنوان نماینده رسمی عالی‌ترین مقام اجرایی آن کشور شناخته می‌شود. همه اقدامات و تعاملات سیاسی وی، در حکم تصمیمات دولت فرستنده تلقی می‌گردد.

هرچند اسناد رسمی بین‌المللی الزامات مشخصی برای ویژگی‌های شخصیتی یا حرفه‌ای سفیر تعیین نکرده‌اند، اما تجارب عملی کشورها نشان داده‌اند که برخورداری از برخی ویژگی‌ها می‌تواند به موفقیت بیشتر در این جایگاه منجر شود. این ویژگی‌ها شامل آگاهی و تجربه کافی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مربوط به کشور خود و کشور میزبان، توانایی ایجاد و حفظ ارتباط مؤثر با مقامات دولتی، رسانه‌ها، نهادهای مردمی، و دیگر سفیران و نمایندگان حاضر در کشور میزبان، مهارت در مذاکره و حل‌وفصل مناقشات، قدرت تصمیم‌گیری در شرایط پیچیده و پرتنش، پایبندی به مقررات بین‌المللی، و همچنین احترام به فرهنگ و سنت‌های کشور میزبان است.^۱

در یک جمع‌بندی کلی، سفیر یا هر نماینده دیپلماتیک باید دارای شخصیتی متوازن، توانایی ارتباط‌گیری مؤثر، سوابق حرفه‌ای کافی و دانشی جامع در زمینه‌های مرتبط باشد تا بتواند مسئولیت‌های خود را به نحو احسن ایفا کند.

ب. رسالت‌ها و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی در فقه سیاسی

سفیر، بازوی اجرایی سیاست‌ها و برنامه‌های دولت اسلامی در خارج از مرزهای سرزمین اسلامی به‌شمار می‌آید؛ ازاین‌رو، برای بررسی لزوم اجتهاد در جایگاه نمایندگی دیپلماتیک، ابتدا باید نگاهی روشن و شفاف به اهداف و مطالبات دولت اسلامی در عرصه سیاست خارجی و مناسبات بین‌المللی داشت تا بتوان در بخش بعدی، ارزیابی دقیقی از این مسئله به‌عمل آورد.

رسالت نخست: دعوت به یکتاپرستی و دین اسلام

توحید، به‌عنوان پایه اصلی دین و دولت اسلامی، نخستین و اساسی‌ترین مأموریت سیاست خارجی به‌شمار می‌آید. اهمیت این اصل، از آغاز بعثت پیامبر اکرم ﷺ و

۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، دیپلماسی و سیاست خارجی، ص ۲۹۹-۵۰۴.

پس از هجرت به مدینه با ارسال نامه‌هایی به فرمانروایان جهان و مأموریت رساندن سورۀ براءت از سوی امیر مؤمنان علیه السلام، تا پیام تاریخی امام خمینی به گورباچوف و نامه امام خامنه ای به جوانان غربی قابل تعریف بر همین مبناست که در آیات متعدد قرآن، توحید در رسالت پیامبران به عنوان اصل اولی ذکر شده است^۱، این اصل در رأس اهداف دولت اسلامی قرار دارد، همانگونه که امام خمینی درباره این مسئله می‌فرماید: «ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کاهش سلطۀ جهان‌خواران بوده و هستیم»^۲.

لازم به ذکر است که تمایز میان «پیام‌رسانی موقت» و «نمایندگی دائمی» نباید جوهر مأموریت را مخدوش کند: هدف ثابت، دعوت به توحید و اسلام است و تفاوت‌ها صرفاً شکلی و تابع مقتضیات تاریخی‌اند؛ در عصر نزول شرایط سیاسی- اجتماعی مأموریت‌های موقتی را ایجاب می‌کرد، در حالی که در جهان معاصر، نهادهای دیپلماتیک دائمی مثل سفارت‌ها، ابزاری منطقی و نهادینه برای تداوم همان رسالت‌اند. بنابراین آیات و سیرۀ تاریخی، نه مدل اجرایی صرف، بلکه پایه یک الگوی فکری‌اند که محتوا را ثابت و ابزار را متناسب با زمان می‌داند و سفیر مدرن را به عنوان شکل تکامل‌یافته اجرای همان مأموریت معرفی می‌کند.

رسالت دوم: نفی ظلم و دفاع از مظلوم

مفهوم عدالت، از جمله اهداف بنیادین بعثت انبیا در قرآن به‌شمار آمده^۳ و همچنین در تعامل با غیرمسلمانان نیز رعایت عدالت، شرط اساسی تلقی شده است.^۴ در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تصریح به این اصل دیده می‌شود.^۵ ترویج عدالت در مقیاس جهانی و مقابله با نظام‌های ظلم، طاغوت و سلطه‌طلبی بین‌المللی، از جمله اهداف بنیادین دولت اسلامی به‌شمار می‌آید. امام خمینی در این زمینه می‌گوید:

۱. سورۀ اعراف، آیه ۵۹، ۶۵، ۷۳، و ۸۵؛ سورۀ هود، آیه ۵۰، و ۸۴؛ سورۀ عنکبوت، آیه ۱۶.

۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفۀ نور، ج ۲۱، ص ۸۲.

۳. سورۀ حدید، آیه ۲۵.

۴. سورۀ ممتحنه، آیه ۸.

۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۴.

«ما چارچوبی تازه بنا نهاده‌ایم که در آن، عدل را معیار حمایت و ظلم را معیار مقابله قرار داده‌ایم. از هر عادل‌ی دفاع می‌کنیم و بر هر ستمگری می‌تازیم»^۱.

رسالت سوم: نفی وابستگی

مفهوم استقلال که به معنای ردّ سلطه بیگانگان بر منابع و منافع کشور است، از اصول محوری در قوانین جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید.^۲ در قرآن نیز آمده است که مؤمنان نباید کافران و اهل کتاب را به‌عنوان ولیّ و سرپرست خویش برگزینند.^۳ امام خمینی در وصیت‌نامه خویش خطاب به وزارت امور خارجه تأکید می‌کند که باید به‌طور قاطع از هرگونه وابستگی به بیگانگان، با همه ابعاد آن، پرهیز شود:

«از هر امری که شائبه وابستگی دارد، با همه ابعادش، به‌صورت قاطع دوری کنید؛ زیرا وابستگی، هرچند ممکن است در ظاهر فریبنده باشد یا منافع موقتی به‌همراه داشته باشد، در نهایت، اساس کشور را به نابودی خواهد کشاند».^۴

به‌طور خلاصه، سفیر در دولت اسلامی افزون بر وظایف عمومی تعریف‌شده در چارچوب حقوق بین‌الملل و تعهد به تأمین حداکثری منافع ملی، موظف است اهداف و آرمان‌های ایدئولوژیک دولت اسلامی را نیز در عملکرد خود لحاظ کند. این ویژگی، تمایز اساسی میان سفیر دولت اسلامی و سایر نمایندگان دیپلماتیک جهان به‌شمار می‌آید.

۳- بررسی ادله فقاہت در نمایندہ دیپلماتیک دولت اسلامی

ادله پیش‌رو، درصدد اثبات اجتهاد در سفیر دولت اسلامی به‌عنوان یکی از شروط نمایندہ دولت اسلامی فارغ از هر ویژگی دیگری لازم، در سفیر دولت اسلامی‌اند.

الف. تناسب موضوع و حکم

به‌روشنی می‌توان دریافت که اداره حکومت اسلامی کاری نیست که از عهده هر فرد سیاست‌مدار ساخته باشد؛ ازاین‌رو، فقاہت به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی در مدیریت نظام اسلامی مطرح شده است. با سرایت یافتن این اصل به قلمرو خارج از

۱. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۶۰.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۵۳.

۳. سوره نساء، آیه ۱۴۴؛ سوره مائده، آیه ۵۱.

۴. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۴۲۸.



مرزهای کشور اسلامی، جایگاه نماینده رسمی نظام، یعنی سفیر، واضح تر می شود و نتیجه آن می شود که نماینده دولت اسلامی، باید واجد بالاترین سطح از توانمندی مدیریتی و دانش دینی باشد. برای تبیین و عرضه چهره اسلامی نظام، دولت اسلامی نیازمند افرادی است که اسلام را به درستی شناخته اند و دارای توان انتقال آن با دقت و درایت باشند. هویت اسلامی حکومت بر پایه تبیین مفاهیم و ارزش های دینی استوار است؛ بنابراین کسی که نماینده این نظام در سطح بین المللی است، باید تجسم زنده آموزه های اسلامی باشد.

در گفتمان اسلامی، این جایگاه به فقیه اختصاص یافته است؛ زیرا فقیه نه تنها آموزه های اسلام را می شناسد، بلکه در میدان بین الملل دارای توان طراحی راهبردهای پیش دستانه است و می تواند ساختارهای تحمیلی طراحی شده از سوی دشمنان را دگرگون کند. چنین کسی، گرفتار شرایط اضطراری ساختگی و چارچوب های تحریف شده نمی شود و فقه را در مسیر اصیل خود حفظ می کند.

درحالی که سفیر موظف است مطابق خط مشی های کلان نظام و دستورات ابلاغی عمل کند و نمی تواند با اتخاذ سیاست مستقل عمل نماید، اما فقاقت نه به منظور اعمال حکمی فردی، بلکه برای داشتن توان تشخیصی و تحلیلی لازم جهت تطبیق مبانی فقهی با مسائل مستحدثه و عرضه راهکارهای اسلامی و مبتکرانه در میدان پیچیده بین الملل، شایسته بلکه بایسته است. این «منش اجتهادی» مانع تقلید سطحی در شرایطی می شود که دستورالعمل صریح پاسخگو و کارآمد نیست یا دشمنان، ساختارهای تحمیلی عرضه می کنند. سفیر می تواند از پیام رسان صرف، به دیپلماتی راهبردی تبدیل شود که با خلاقیت در چارچوب مقاصد شریعت، منافع و اصالت جهت گیری های نظام را حفظ کند. اجتهاد در اینجا مزیت استراتژیک و حفاظتی است، نه مجوزی برای استقلال سیاسی خارج از چارچوب کلان.

شناخت دقیق و تحلیل عمیق روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، و ارزیابی فقهی این مناسبات در مسیر منافع دولت اسلامی، نیازمند کسی است که هم به ماهیت این تعاملات آگاه باشد و هم به مبانی و قواعد فقه اسلامی، مسلط. این مسئولیت سنگین، در طول دوران غیبت بر دوش فقیهان هر عصر نهاده شده است. فقیه، خود را در غیاب امام معصوم (علیه السلام)، مسئول تحقق و اجرای دین در جامعه می داند و از همه ظرفیت های

موجود برای انجام این وظیفه استفاده می‌کند.

نقد و بررسی

اگرچه نمایندگی در هر مسئله‌ای باید از سوی شناخته‌شده‌ترین فرد صورت بگیرد و این مسئله در دولت اسلامی به شناخت اسلام و اهداف دولت اسلامی گره خورده است و مجتهد، اعرف اشخاص است، اما این مسئله دلالتی بر ضرورت این مسئله نمی‌کند و صرفاً می‌تواند به عنوان مُحَسِّنات این مسئله شناخته شود.

در پاسخ به مناسبت‌های میان موضوع و حکم باید توجه داشت که در فقه اسلامی این مناسبت مربوط به فهم و معنایابی از ادله است، نه اینکه به صورت مستقل دلیل و نشانگر اراده تشریعی الهی و لزوم تکلیف باشد؛ بنابراین، اعتبار برانگیختگی یا زجر واقعی که سبب وجوب و حرمت می‌شود، نیازمند ضرورت شرعی یا عقلی است که این دلیل توانایی اقامه آن را ندارد. به بیان ساده‌تر، آنچه در فقه به نام مناسبت میان موضوع و حکم مطرح می‌شود، صرفاً ابزاری برای فهم بهتر ادله شرعی است. یعنی این مناسبت کمک می‌کند مفسر بفهمد چرا شارع فلان حکم را بر فلان موضوع بار کرده است؛ اما خود این مناسبت، به تنهایی دلیل شرعی و کاشف از اراده الزام‌آور خداوند نیست.

روشن است که این اشکال فارغ از اتخاذ مبنای مشخص در موضوع منشأ الزام در احکام شرعی است (بنا بر نظر اشاعره، منشأ الزام خصوص دستور الهی، و بنا بر نظر معتزله، این مسئله به عقل پیوند می‌خورد) و تأثیر در تصدیق اشکال ندارد و صرف وجود مناسبت موضوعی نمی‌تواند به عنوان دلیل قطعی وجوب یا حرمت قلمداد شود.

در واقع، مأموریت اصلی دیپلماسی اسلامی، پیام‌رسانی و تبیین ارزش‌های بنیادین است، نه صرفاً نمایندگی سیاسی. در این چارچوب، فقیه بودن سفیر به معنای اجتهاد فردی در سیاست‌گذاری نیست، بلکه به معنای برخورداری از ملکه دانشی و بصیرتی است که او را قادر می‌سازد در شرایط پیچیده و پیش‌بینی‌نشده، با فهم عمیق از مبانی فقهی و اهداف کلان نظام، به نحو هوشمندانه و راهبردی تصمیم بگیرد. چنین سفیری ضمن انجام وظایف دیپلماتیک، می‌تواند در گفت‌وگوهای بین‌المللی از مواضع نظام دفاع مستدل کند، از افتادن در دام ساختارهای تحمیلی دشمنان جلوگیری نماید، و با «رویکرد هوشمندانه»، مأموریت خود را از یک کارگزاری صرف، به سطح یک دیپلمات متفکر و راهبردی ارتقا دهد.



ب. ضرورت اجرا و گسترش اهداف دولت اسلامی

اصلی‌ترین مأموریت دولت اسلامی، دعوت جهانی به توحید و پذیرش اسلام است؛ وظیفه‌ای سترگ که همواره بر دوش آگاه‌ترین و متعهدترین افراد هر دوره قرار داشته است. در دوران بعثت و حضور ظاهری حجت الهی، این مسئولیت بر عهده پیامبران (صلوات الله علیهم) و امامان علیهم‌السلام بوده و در عصر غیبت، این نقش خطیر به فقیه جامع‌الشرایط سپرده شده است. قرآن کریم، تبلیغ مؤثر دین را مشروط به فهم عمیق و ریشه‌دار از معارف دینی دانسته و می‌فرماید که گروهی باید برای تفقه در دین و انذار جامعه قیام کنند.^۱

بنابراین، سفیر دولت اسلامی، به مثابه نماینده رسمی آن نظام در جهان، باید در مسیر تحقق اهداف دینی و تمدنی دولت خود، مسئول ترویج اسلام و توحید باشد. او باید با فهم موقعیت زمانه و شناخت مقتضیات فرهنگی، قومی، و سیاسی کشور مقصد، تبلیغ دین را با حکمت، روش‌مندی و انعطاف‌پذیری دنبال کند. این مأموریت نه صرفاً وظیفه‌ای دیپلماتیک، بلکه رسالتی الهی به‌شمار می‌آید که نیازمند علم، بصیرت و بینش فقهی عمیق است.

ویژگی‌های سفیر در نظام اسلامی باید آمیخته با صفات فقیهانه باشد: قدرت تعامل بدون گرفتار شدن در دام وابستگی؛ همزیستی در عین حفظ استقلال فکری و هویتی؛ گفت‌وگو و مناظره همراه با تسلط علمی و برخورد عزتمندانه. چنین نماینده‌ای نه تنها زبان نظام اسلامی، بلکه چهره زنده اسلام در مناسبات بین‌الملل است؛ کسی که هم حامل پیام الهی است و هم نگهبان مصالح دنیوی و اخروی ملت اسلامی.

نقد و بررسی

هرچند فقاہت و فهم عمیق از دین، پایه اصلی در امر دعوت و تبلیغ اسلام شمرده می‌شود، اما این مسئولیت صرفاً به فقیه و مجتهد به معنای خاص آن محدود نمی‌شود. بلکه هر فردی که به اندازه‌ای از معارف اسلامی بهره‌مند است، به تناسب فهم و توان خود، موظف به تبلیغ دین و دعوت به اسلام است. به عبارت دیگر، نسبت میان عنوان «مجتهد» و وظیفه «دعوت به اسلام»، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر فقیه و

۱. سورة توبه، آیه ۱۲۲.



مجتهدی بی‌تردید مکلف به تبلیغ اسلام است، اما همه مبلغان لزوماً مجتهد نیستند. از سوی دیگر، نسبت میان ضرورت اجتهاد و وجوب تبلیغ، عموم و خصوص من وجه است؛ بدین معنا که در برخی موارد، اجتهاد واجب است حتی اگر فرد نقش مبلغ را ایفا نکند و در برخی موارد نیز تبلیغ لازم است بدون آنکه اجتهاد شرط تحقق آن باشد. تنها در بخشی از موارد، این دو ضرورت با یکدیگر هم‌پوشانی پیدا می‌کنند. بنابراین، هرچند مجتهد وظیفه‌ای بی‌واسطه در تبلیغ دین دارد، اما عرصه تبلیغ منحصر به او نیست و افراد دیگری نیز در چارچوب توان علمی و تقوایی‌شان، در این مسئولیت شریک‌اند. از بهترین نمونه‌های تبلیغی غیر فقیه جمهوری اسلامی ایران می‌توان به سردار شهید قاسم سلیمانی اشاره کرد که با انواع اقدامات نظامی و فرهنگی توانست زمینه بسیار مناسبی برای به گرایش به اسلام در منطقه غرب آسیا و جهان فراهم کند.

ج. لزوم اجتهاد در مناصب خطیره

ولایت بر اموال و جان‌های مسلمانان، جایگاهی است که به جز فقیه جامع‌الشرایط، فرد دیگری مشروعیت تصرف در آن را ندارد. این قاعده اساسی، در عرصه‌های مختلفی از فقه اسلامی به صورت روشن بیان شده است؛ از جمله در باب قضاوت، که تنها فقیه صلاحیت شرعی برای تصدی آن را دارد^۱، یا در حوزه افتاء، که بیان حکم شرعی از سوی غیر فقیه فاقد اعتبار است.^۲ نمود کامل این اصل را می‌توان در نظریه ولایت فقیه به عنوان رکن رهبری سیاسی و دینی در جامعه اسلامی مشاهده کرد.^۳

فلسفه و دلیل شرعی این محدودیت به دو نکته بنیادین بازمی‌گردد: نخست آنکه، تصرف در اموال و نفوس مسلمانان باید صرفاً بر پایه احکام شریعت صورت گیرد و از میان افراد، فقیه، عالم‌ترین شخص نسبت به شرع و در عین حال عادل‌ترین آنان است؛ دوم آنکه، تشخیص و اعمال مصلحت اسلام و مسلمانان باید در چارچوب معیارهای دینی انجام پذیرد و این سنجش نیز تنها با نظر فقیه معتبر است.^۴

۱. انصاری، مرتضی، القضاء والشهادات، ص ۳۸.

۲. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۸.

۳. خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۲۷.

۴. نجفی کاشف الغطاء، محمدحسین، تحریر المجلّة، ج ۱، ص ۴۰.

از این منظر، وقتی سفیر به عنوان بالاترین نماینده دولت اسلامی در حوزه دیپلماسی خارجی ایفای نقش می‌کند، ناگزیر در مواضعی قرار می‌گیرد که نیازمند تصمیم‌گیری فوری، قطعی، و مسئولانه در موضوعاتی است که به اموال، جان‌ها، و حتی عزت و حیثیت شهروندان مسلمان گره خورده است.^۱ به‌ویژه در بندهای ۶ و ۱۳ همین ماده، به مواردی اشاره شده که دخالت سفیر در حوزه‌های مالی و جانی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

از آنجا که نماینده رسمی نظام اسلامی در عرصه بین‌الملل وظیفه صیانت از منافع کلان دولت اسلامی را برعهده دارد، تشخیص این منافع و سنجش دقیق مصالح، بدون پشتوانه فقهات تحقق‌پذیر نیست؛ زیرا تنها فقیه است که می‌تواند در چارچوب ضوابط شرع، مصلحت عمومی مسلمانان را بشناسد و آن را با احکام دین تطبیق دهد. نمونه بارز این مسئله را می‌توان در قراردادهای تجاری یا سیاسی با کشورهای دیگر مشاهده کرد؛ این توافقات تنها در صورتی مشروع و معتبرند که از نظر فقیه، با منافع اسلام و جامعه اسلامی در تعارض نباشند. چنانچه در زمان یا شرایطی خاص، زیان‌بار تشخیص داده شوند، اعتبار شرعی آن‌ها ساقط می‌شود.^۲

در نتیجه، منصب سفارت در دولت اسلامی، نه صرفاً یک موقعیت دیپلماتیک، بلکه مأموریتی است که باید در پیوند دائمی با فقهات و تحت هدایت اندیشه فقیهانه تحقق یابد.

نقد و بررسی

واضح و روشن است که ولایت در اسلام اساساً در دوران غیبت برای فقیه و مجتهد جامع‌الشرایط در نظر گرفته شده است و شئون این ولایت در سه موضوع افتاء، ولایت در قضا، و ولایت در اجرای احکام شرعی قرار می‌گیرد؛ امام این مسئله بدان معنا نیست که هر حوزه‌ای که دارای اختیارات وسیع باشد، لزوماً مجتهد باشد، وگرنه باید در فرماندهان نظامی، رؤسای جمهور، مدیران عالی اقتصادی کشور نیز این شرط را جاری دانست. علاوه بر اینکه همه اختیارات سفیر در راستای ولایتی است که مشروعیت آن از فقیه متنفذ است و دارای ولایتی استقلالی در حیطه اختیارات نیست و در مواردی که نیاز

۱. قانون وظایف وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴/۱/۲۸، ش، بند ۳، ماده ۲.

۲. همان، ماده ۵.

به تصمیم‌گیری فوری و قطعی دارد، ربطی به فقاها و اجتهاد ندارد؛ بلکه از تجربیات و دستورالعمل‌های اسلامی پیروی می‌کند.

د. سیره نبوی و امامان در ارسال نماینده

معنای اجتهاد و فقاها در آغاز سیره نبوی و علوی، در پیوند با تسلط بر علوم قرآنی و جایگاه روایت‌گری، تبیین‌شدنی است. ارزیابی نمایندگان اعزامی در آن دوره، براساس همین معیارها صورت می‌گرفت. اقامت دائم نماینده در یک منطقه، پدیده‌ای نوپدید و مرتبط با تحولات جدید در نظام‌های سیاسی است؛ زیرا در صدر اسلام، سفیر صرفاً برای مأموریتی موقت و ابلاغی خاص گسیل می‌شد. سفارت به معنای امروزی، گسترده شدن همان روابط ساده و موقت سابق است که اگر آن زمان در موارد موقت این احکام وجود داشته، امروزه به طریق اولی در مواردی که مدت زمان بیشتری را دارد - به‌طوری که ارتباط و تعامل به ۵۰ تا ۱۰۰ سال هم می‌رسد - این احکام جاری است. با این حال، می‌توان از کارگزاران و فرستادگانی که در دوره‌های طولانی‌تری در مأموریت باقی ماندند نیز به عنوان نمونه‌های قابل تطبیق استفاده کرد.

از میان پانزده سفیری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعزام کرده‌اند، می‌توان موارد زیر را برشمرد: دِحْیَة بن خلیفه کلبی از اصحاب برجسته رسول خدا که در اواخر سال ششم هجری به سوی قیصر روم فرستاده شد.^۱ جعفر بن ابی طالب نیز نماینده رسول خدا صلی الله علیه و آله در دربار نجاشی بود. حارث بن عُمَیر، صحابی دیگر، به منطقه شام اعزام شد.^۲ همچنین امیر مؤمنان علیه السلام مأمور ابلاغ سوره بَرَاءت به مشرکان بود.

از جمله فرستادگان امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌توان به این افراد اشاره کرد: حارث بن ربیع و ابوقَتَادَة انصاری که به عنوان والی حضرت در مکه منصوب بودند. شیخ طوسی آنان را از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام ذکر کرده است.^۳ سَهْل بن حُثَیف بن واهب انصاری، والی مدینه، از یاران نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله و از افراد «شرطه الخمیس» حضرت امیر علیه السلام بود. امام صادق علیه السلام درباره‌اش فرمودند: محبت او بر ما واجب است؛

۱. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۱۸۹.

۲. نمازی شاهرودی، علی، مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۲۷۳.

۳. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، ص ۳۵.

زیرا ایمانش بعد از رسول خدا ﷺ دچار خلل نشد.^۱

عبیده سلمانی، نماینده حضرت در منطقه فرات، از بزرگان تابعان و از فقیهان برجسته زمان خود بود.^۲ کَمیل بن زیاد نَخَعی، فرماندار منطقه هیت و از یاران سرّ امیر مؤمنان ﷺ شناخته می‌شود.^۳ مالک اشتر، کارگزار مصر، جزیره و نَصیبین، جایگاه ممتاز خود را در کلام امام ﷺ چنین یافته است: «خداوند مالک را بیامزد؛ او برای من همان بود که من برای رسول خدا ﷺ بودم».^۴

سلیمان بن صُرَد خُزاعی، فرماندار ناحیه جبل، از ابعان و رهبران برجسته شیعیان به‌شمار می‌رفت.^۵ محمد بن ابی بکر، والی مصر، از مخلص‌ترین یاران امیر مؤمنان ﷺ بود.^۶ عبدالله بن عباس، فرماندار بصره، فقیه، مفسر و از برجسته‌ترین یاران امیر مؤمنان ﷺ بود؛ تا جایی که ابتکارات فقهی او در عرصه حکومت‌داری، بی‌سابقه وصف شده است.^۷ وی در برابر بدعت‌ها و انحرافات که پیش از او در بصره رایج شده بود، ایستادگی نشان داد. همچنین، ابوالاسود دُؤلی، استاندار بصره، از علما و دوست‌داران امیر مؤمنان ﷺ بود.

در دو قرن نخست، وکیلان ائمه ﷺ نقشی مهم در تثبیت و گسترش تشیع ایفا کردند. این افراد از میان موثق‌ترین و عالم‌ترین اصحاب برگزیده می‌شدند تا در مناطق مختلف، مسئولیت‌های دینی، اجتماعی، و سیاسی شیعیان را به‌عهده بگیرند. عناوینی چون تاجر، زارع، پارچه‌فروش یا روغن‌فروش، در واقع پوشش‌هایی ناشی از تقیه و فضای سرکوب‌گر حکومت عباسی بود و نباید سبب تردید در جایگاه علمی و معنوی این افراد شود.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا ﷺ، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲. ذاکری، علی‌اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیر المؤمنین ﷺ، ج ۱، ص ۲۳۲؛ برقی، احمد بن محمد بن خالد، طبقات الرجال، ص ۵.

۳. ذاکری، علی‌اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیر المؤمنین ﷺ، ج ۱، ص ۳۰۲؛ خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۱۴، ص ۱۲۸ و ۱۲۹.

۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۳۰، ص ۴۵۳.

۵. خویی، سیدابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۲۷۱.

۶. همان، ج ۱۴، ص ۲۳۰.

۷. ذاکری، علی‌اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی طالب امیر المؤمنین ﷺ، ج ۲، ص ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۷۵.

قلمرو گسترده مأموریت‌ها، دامنه وسیع اختیارات آنان^۱، و وظایفی چون جلوگیری از انحراف، معرفی امامان علیهم‌السلام، بیان احکام حلال و حرام^۲، شرکت در مناظره‌ها، پاسخ به شبهات^۳، رسیدگی به موقوفات، دریافت وجوهات شرعی، و تصرف در اموال برای اصلاح امور شیعیان، نیازمند ویژگی‌هایی فراتر از دانش و وثاقت بود؛ ویژگی‌هایی چون کفایت، درایت، احتیاط، و رازنگهداری.

اهمیت این مسئله در دوره غیبت صغری دوچندان شد.^۴ از برجسته‌ترین وکیلان این دوره می‌توان به مُفَضَّل بن عمر جُعفری در مدینه، هِشام بن ابراهیم عباسی در مدینه، عبدالرحمان بن حُجاج در عراق، ابراهیم بن محمد هَمْدانی و زکریا بن آدم در قم، عبدالله بن جُنْدَب بَجَلی، علی بن مهزیار و ابراهیم بن مهزیار در بصره و اهواز، حسن بن راشد ابوعلی در بغداد، مدائن و کوفه، محمد بن جعفر کوفی اسدی در ری و شرق ایران، عثمان بن سعید عَمَری در سامرا و حُمران بن أَعین در شام اشاره کرد. جایگاه علمی این افراد و انتسابشان به حلقهٔ راویان حدیث، آنان را به عنوان چهره‌هایی دارای صلاحیت فقه‌ای تثبیت کرده است. حتی وکیلان رده پایین‌تر، نظیر احمد بن اسحاق اشعری، علی بن یقطین، محمد بن احمد بن جعفر قمی، محمد بن سنان و حُمران بن أَعین، از راویان حدیث عصر خود بوده‌اند.^۵

در نهایت، در دوران غیبت کبری، فقیهان مسئولیت هدایت مسیر وکالت را برعهده گرفتند و به عنوان حافظان شریعت، وارثان پیامبران، و حجت‌های الهی از سوی امامان علیهم‌السلام شناخته می‌شوند.^۶

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۹۳؛ کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، اختیار معرفة الرجال، ص ۴۲۲؛ مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، ص ۸۷.

۳. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، اختیار معرفة الرجال، ص ۲۷۵.

۴. جبّاری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۳۲۳ و ۳۹۲ و ۴۴۰.

۵. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۳۵ و ۶۱۱؛ نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، ص ۱۷۴؛ جبّاری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۲۲۳ و ۲۲۵.

۶. نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الأيام، ص ۵۳۷.

نقد و بررسی

اگرچه برخی از سفیران و نمایندگان معصومان علیهم‌السلام دارای مرتبه جلیل و فقاہت بوده‌اند، اما این مسئله بر ضرورت و لزوم فقاہت نماینده دلالت نمی‌کند؛ زیرا غایت فعل معصوم علیهم‌السلام دلالت بر جواز این مسئله است. فعل معصوم در امور عبادی که قصد قربت در آن شرط است نیز دلالت بر رجحان می‌کند که میان وجوب و استحباب معین نیست.^۱ علاوه بر اینکه فقاہت برخی از موارد ذکر شده دارای تأمل و بررسی است. نمونه‌های خلافی نیز از فرستادگان و نمایندگان به چشم می‌خورد که یا فقیه عادل نبوده‌اند یا دارای کارآمدی کافی در حکومت اسلامی نبوده‌اند: ابوموسیٰ اشعری والی کوفه^۲؛ اشعث بن قیس در حکومت آذربایجان^۳؛ محمد بن ابی‌بکر در مصر^۴؛ زیاد بن ابیه در حکومت فارس^۵؛ ابن عباس در حکومت بصره^۶؛ مُنذر بن جارود، حاکم فارس^۷؛ یزید بن حُجَّیَّة، حاکم ری^۸؛ و قَعْقَاع بن سُور، حاکم کسگر^۹، نمونه‌هایی از این مواردند.

نتیجه‌گیری

اقتضای اسلامی بودن حکومت، نوع خاصی از شرایط را برای کارگزاران ترسیم می‌کند. این پژوهش به هدف واکاوی شرط اجتهاد در سفیر به‌عنوان رئیس نمایندگی دولت اسلامی در نزد دولتی دیگر، ادله و شواهد این مسئله را بررسی کرده است. سفیر نه‌تنها یک پیام‌رسان موقت، بلکه نماینده سیاسی و حقوقی دولت است که وظیفه دارد در کشوری خارجی، منافع و اهداف دولت متبوع خویش را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و امنیتی پیگیری کند. این تعریف مدرن، با مأموریت‌های تاریخی

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الأصول، ص ۳۲۳.

۲. طبری، محمد بن جریری، تاریخ الأمم و الملوک، ج ۴، ص ۴۹۹.

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۵۹.

۴. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۱، ص ۲۲۸-۲۲۷.

۵. همان، ج ۲، ص ۶۳۶.

۶. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۷۲.

۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ج ۲، ص ۵۲۲.

۸. همان، ج ۲، ص ۵۲۵.

۹. همان، ج ۲، ص ۵۳۱.



سفیران در صدر اسلام که بیشتر جنبهٔ پیام‌رسانی داشت، تفاوت دارد؛ اما در یک اصل مشترک هستند: نمایندگی یک تفکر و نظام ارزشی. بنابراین، سفیری که در چارچوب دولت اسلامی فعالیت می‌کند، نمی‌تواند از مبانی فکری و ارزشی آن نظام جدا باشد. نگارنده معتقد است که ادلهٔ ذکرشده در این مسئله مبتلا به اشکال‌هایی هستند که به‌تنهایی قادر به اثبات ضرورت نیستند. براساس واکاوی نظریهٔ سیاسی اسلام و ادلهٔ پیش‌گفته، می‌توان مطلوبیت شرط فقاہت را در سفیر دولت اسلامی به نحو ترجیح و اولویت اثبات نمود. اجتهاد برای نمایندهٔ سیاسی، نه یک تکلیف صرفاً فردی در حوزهٔ احکام، بلکه رویکرد بصیرتی عمیق به معارف و اهداف دینی و راهبردی هوشمندانه است که کارگزار را قادر می‌سازد در پیچیدگی‌های دیپلماسی بین‌الملل، با تکیه بر فهم عمیق از مبانی فقهی و اهداف کلان نظام اسلامی، از مواضع دولت اسلامی مستدل دفاع کند و مأموریت خویش را از سطح نمایندگی منفعل، به کارگزاری هوشمندانه و راهبردی ارتقا دهد.

امیر مؤمنان علیه السلام دربارهٔ خلافت حکومت اسلامی می‌فرماید: سزاوارترین افراد به جایگاه سرپرستی امت اسلامی، کسی که دارای بهترین تدبیر سیاسی و عالم‌ترین مردم به امر دین باشد؛^۱ روشن است که سفیر، این مسئولیت را در خارج از مرزهای دولت اسلامی برعهده گرفته است و دارای بیشترین همسانی با ولایت در امور داخلی دولت اسلامی است.

تحقق اهداف راهبردهای کلان حکومت اسلامی، وظیفهٔ نهاد فقاہت در دوران غیبت است؛ وظایفی همچون دعوت به توحید، تشکیل امت واحده، توسعه و تعمیق تفکر توحیدی، اظهار شعائر اسلامی، اقامهٔ عدالت جهانی، نفی سلطهٔ استکبار و ظالمان و جهانی و ستیز با آنان، حمایت از مسلمانان و مظلومان جهان، ایجاد امنیت و صلح پایدار، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، پایبندی به معاهدات و قراردادهای، تعامل و همکاری سازنده، حفظ استقلال و اقتدار. ابتناء شرط فقاہت بر نمایندهٔ دولت - همچنانکه گذشت - در تناسب رویکرد اسلامی به دولت و سیرهٔ رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمهٔ هدی علیهم السلام در ارسال نمایندگان هستند.

۱. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ص ۲۴۷ (خطبة ۱۷۳).

یادآوری این موضوع پسندیده است که این پژوهش فارغ از هر شرط الزامی دیگری دربارهٔ سفیر، شرط اجتهاد را بررسی کرده و لزوم شرایط دیگر نظر اسلامی، در دیگر کتاب‌های دیپلماسی از نگاه اسلامی، محلّ گفت‌وگو واقع شده است. اثبات مطلوبیت اجتهاد برای سفیر، هرچند الزام قانونی ایجاد نمی‌کند، اما ثمره‌های علمی و عملی مهمی دارد که جایگاه بحث را توجیه می‌کند. از نظر علمی، این رویکرد به تأسیس یک الگوی برتر برای دیپلماسی اسلامی می‌انجامد که دیپلمات را از کارگزار صرف به عنصری راهبردی ارتقا می‌دهد. از نظر عملی، این دیدگاه به عنوان معیار کیفی مهمی در فرایند انتخاب و آموزش سفیران عمل می‌کند و به مسئولان امکان می‌دهد تا فردی را برگزینند که دارای فهم عمیق از مبانی فقهی و سیاسی است. در نهایت، این ویژگی، کارآمدی دیپلماسی را در محیط پیچیدهٔ بین‌الملل افزایش می‌دهد و با عرضهٔ راهکارهای هوشمندانه براساس اصول ثابت، به حفظ منافع و اهداف کلان نظام در درازمدت کمک شایانی می‌کند.

بررسی علمی مطلوبیت یک ویژگی، مستلزم سنجش ظرفیت‌ها در برابر چالش‌هاست. چالش‌هایی همچون احتمال عمل به نظر شخصی، با مقید بودن اجتهاد به سیاست‌های کلان نظام رفع می‌شود؛ زیرا قوهٔ اجتهاد در این جایگاه، نه به معنای صدور فتوا یا خودسری، بلکه به مثابه ملکه‌ای برای فهم عمیق اصول و مبانی و اتخاذ تصمیمات حکیمانه در شرایط غیرقابل پیش‌بینی است که دستورالعملی صریح یا کارآمد دربارهٔ آن‌ها وجود ندارد. همچنین، محدودیت حضور در برخی مجالس غیرمتمعارف، با ارزش‌های اصلی دیپلماسی اسلامی که بر تأثیرگذاری فکری و گفت‌وگوی عمیق استوار است، سنجیده می‌شود و کمبود فرصت‌های اجتماعی، با ظرفیت بالای برقراری ارتباطات راهبردی و محتوایی با نخبگان و اندیشمندان خارجی جبران می‌شود. دربارهٔ کمبود مجتهد زمان‌شناس و چالش‌های مدیریت فعلی، این مسائل نه ضعفی در اصل مطلوبیت، بلکه نیاز به سرمایه‌گذاری استراتژیک در تربیت نسل جدیدی از فقیه-دیپلمات‌ها و رفع آسیب‌های مدیریتی موجود را نمایان می‌سازد. بنابراین، چالش‌های مطرح‌شده، بیشتر موانع عملی هستند که با برنامه‌ریزی و آموزش قابل حل‌اند و در برابر ظرفیت‌های راهبردی که مطلوبیت اجتهاد برای دیپلماسی اسلامی فراهم می‌آورد، کم‌اهمیت به شمار می‌روند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: جهان، چاپ اول، بی‌تا.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی‌جا، ۱۴۱۵ ق.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، بی‌جا، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن فراء، رسل الملوك، سفیران، سفارت در اسلام و سفارت در غرب، تصحیح صلاح الدین المنجد، ترجمه پرویز اتابکی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، بی‌جا، ۱۳۶۳ ش.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۸. ابوطالبی، مهدی، عالمان شیعه و صیانت از سرمایه‌های ملی، تهران: کانون اندیشه جوان، بی‌جا، ۱۳۹۵ ش.
۹. انصاری، مرتضی، القضاء و الشهادات، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، بی‌جا، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. ایزدهی، سیدسجاد، «ماهیت و ویژگی‌های فقه حکومتی»، حکومت اسلامی، سال ۲۵، ش ۱، ص ۵-۲۶، ۱۳۹۹ ش.
۱۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الأصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، بی‌جا، ۱۳۹۹ ش.



۱۲. آسیم، محمدصادق و ایزدهی، سید سجاد، «واکاوی رویکرد حکومتی به فقه در اندیشه محقق کرکی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ش ۲۳، ۱۴۰۲ ش.
۱۳. آسیم، محمدصادق و رهدار، احمد، «واکاوی ضرورت فقاہت در سفیر دولت اسلامی»، قم: فقه دولت اسلامی، سال اول، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
۱۴. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۱۵. برقی، احمد بن محمد بن خالد، طبقات الرجال، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، بی‌جا، ۱۳۸۳ ق.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، تحقیق محمدباقر محمودی، مصر: دار المعارف، چاپ اول، بی‌تا.
۱۷. پورامینی، محمدحسین، اسلام و حقوق دیپلماتیک، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، بی‌جا، ۱۳۹۳ ش.
۱۸. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق جلال‌الدین محدث ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۹۵ ق.
۱۹. جباری، محمد رضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه علیهم‌السلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله علیه، بی‌جا، ۱۳۸۲ ش.
۲۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم‌السلام لإحياء التراث، بی‌جا، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. خالوزاده، سعید، حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران: سمت، چاپ هفتم، ۱۳۹۸ ش.
۲۲. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.
۲۳. خمینی، سیدروح‌الله، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، بی‌جا، ۱۴۲۱ ق.
۲۴. خمینی، سیدروح‌الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، چاپ دوازدهم، ۱۴۲۳ ق.



۲۵. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم: مركز نشر آثار شيعه، بی‌چا، ۱۳۶۹ ش.

۲۶. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، بی‌چا، ۱۳۷۳ ش.

۲۷. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، دیپلماسی و سیاست خارجی، تهران: سازمان تدوین و مطالعه کتب علوم انسانی (سمت)، بی‌چا، ۱۳۹۰ ش.

۲۸. ذاکری، علی‌اکبر، سیمای کارگزاران علی بن ابی‌طالب امیر المؤمنین علیه السلام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.

۲۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیة، بی‌چا، ۱۴۱۲ ق.

۳۰. رهدار، احمد، غرب‌شناسی علمای شیعه در تجربه ایران معاصر، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی‌چا، ۱۳۹۰ ش.

۳۱. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، قم: نشر هجرت، بی‌چا، ۱۴۱۴ ق.

۳۲. صدر، سید جواد، و نوازی، بهرام، و یاری، مریم، نکات برگزیده حقوق دیپلماسی و کنسولی، تهران: نشر کتاب راه، بی‌چا، ۱۳۹۴ ش.

۳۳. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، قم: نشر مرتضی، بی‌چا، ۱۴۰۳ ق.

۳۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: بی‌نا، چاپ دوم، بی‌تا.

۳۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.

۳۶. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، تصحیح بخش تحقیقات اسلامی مؤسسه بعثت، قم: دار الثقافة، بی‌چا، ۱۴۱۴ ق.

۳۷. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعة، بی‌چا، ۱۴۱۱ ق.

۳۸. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسي، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم:

- دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۳۷۳ ش.
۳۹. عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، قم: مؤسسه الفقه للطباعة و النشر، بی‌جا، ۱۴۱۸ ق.
۴۰. عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الآفاق الجديدة، بی‌جا، ۱۴۰۰ ق.
۴۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث، بی‌جا، ۱۴۱۴ ق.
۴۲. عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ ق.
۴۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: اشجع، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.
۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، ۹ ج، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۴۵. فیروزآبادی، سیدمرتضی، عنایة الأصول فی شرح کفایة الأصول، قم: کتاب فروشی فیروزآبادی، بی‌جا، ۱۴۰۰ ق.
۴۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۴۷. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴/۱/۲۸ ش.
۴۸. قانون وظائف وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴/۱/۲۸ ش.
۴۹. قریشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
۵۰. قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، بی‌جا، ۱۳۷۰ ش.
۵۱. کاشف الغطاء، علی بن محمد رضا، النور الساطع فی الفقه النافع، نجف: مطبعة الآداب، بی‌جا، ۱۳۸۱ ق.



۵۲. کشی، محمد بن عمر بن عبدالعزیز، اختیار معرفة الرجال، تصحیح دکتر حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، بی‌جا، ۱۳۴۸ ش.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ۸ ج، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۵۴. مامقانی، محمد حسن، غایة الآمال فی شرح کتاب المکاسب، قم: مجمع الذخائر الإسلامية، بی‌جا، ۱۳۲۳ ق.
۵۵. محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام) لإحياء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۵۶. محمدی، علیرضا مجلس خبرگان رهبری، قم: دفتر نشر معارف، بی‌جا، ۱۳۸۹ ش.
۵۷. مدرسی، سید محمد تقی، امامان شیعه و جنبش‌های مکتبی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ترجمه حمیدرضا آذیر، بی‌جا، ۱۳۷۸ ش.
۵۸. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح علی شیری، بیروت: دار الفکر، بی‌جا، ۱۴۱۴ ق.
۵۹. مرعشی شوشتری، سید محمد حسن، دیدگاه‌های نو در حقوق، تصحیح عباس شیری، تهران: نشر میزان، بی‌جا، ۱۴۲۷ ق.
۶۰. مسعودی، علی بن حسین، إثبات الوصیة، قم: انتشارات انصاریان، بی‌جا، ۱۳۸۴ ش.
۶۱. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه سیاسی اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، چاپ ششم، ۱۳۹۱ ش.
۶۲. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، بی‌جا، ۱۳۵۶ ش.
۶۳. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: کنگره شیخ مفید، بی‌جا، ۱۴۱۳ ق.
۶۴. موسی‌زاده، ابراهیم، و اقبال، شهاب، «تحلیل حقوقی شرایط نامزدهای ریاست جمهوری با تأکید بر تبیین شرایط رجال مذهبی و سیاسی»، مجلس و راهبرد، سال ۳۰، ش ۱۱۳، ۱۴۰۲ ش.

۶۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشيعة)، تصحيح سيد موسى شبيري زنجانى، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌جا، ۱۴۰۷ ق.

۶۶. نجفی کاشف الغطاء، محمد حسین، تحرير المجلة، نجف: المكتبة المرتضوية، بی‌جا، ۱۳۵۹ ق.

۶۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ۴۳ ج، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ق.

۶۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، عوائد الايام، ۱ ج، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

۶۹. نمازی شاهرودى، على، مستدرکات علم رجال الحديث، تهران: نشر فرزند مولف، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.

۷۰. نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسى اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۷ ش.

۷۱. یوسفی اشکوری، حسن، «چرا بنا شد وزیر اطلاعات مجتهد باشد؟»، (۱۳۹۲)، قابل دسترس در: <https://www.aliizadi.com>

72. Satow, Ernest, (1917), A Guide to Diplomatic Practice, London, Longmans, Green and Co.

73. Shabana, Razia, Qasim, Lubna, Saeedi, Muhammad Zafar Iqbal, Javaid, Fatima, & Samar, Mehreen, (2022), "Profound Discussion of Islamic Diplomacy: Rules and Objectives Governing the Appointment of Ambassadors to Foreign Communities for Effective Communication," PalArch's Journal of Archaeology of Egypt / Egyptology, Vol. 19, No. 4.